

نگاهی از درون به پتروشیمی اراک

جمعی از فعالین کارگری پتروشیمی اراک

یازدهم بهمن ماه هشتاد و شش

تازه مرده جنبد اما نی مدید

عضو گردد مرده کز تن وا برید

کارگران، زحمتکشان، رفقا، همکاران رمز پیروزی اتحاد است. خدای سرمایه و بازاریان انسانها را مساوی نیافریده است. ما این واقعیت های عینی را بوضوح در محیط کار شاهدیم در جهنم کار و تلاش در سرمای سوزان، در هوای آلوده و سمی سهم ما زحمتکشان جز فرسودگی و تباهی روح و روان، افسردگی، تهیدستی چه بوده و چه خواهد بود بافت انگلی و فاسد به اصطلاح مدیریت پتروشیمی اراک که عمدتاً در تهران لنگر انداخته اند از کار و تلاش از رنج و شب بیداری ها، از آسیب های جسمی چه میدانند مشتی آدم بی مایه مفتخور حراف که مانند کرم و زالو به تاراج و غارت دسترنج کارگران مشغولند هر روز با ترفند و حیلتی جدید با حرص و ولعی سیری ناپذیر در قالب پروژه و طرح توسعه و پیمانکاری های کاذب، شرکت های تو در تو، پست های بی مورد و پوچ و تهی برای نورچشمی ها و وابستگان، شرکت پتروشیمی را غارت و در نهایت به ورشکستگی می کشانند.

اداره تدارکات خارجی که مسئولیت خرید و تامین قطعات یدکی را از شرکت های خارجی بعهده دارد از مشتی آدم کلاش و کار جاق کن حرفه ای و دلال تشکیل شده که سالهاست از طریق شرکت های واسطه و شرکت های شخصی مستقر در دبی با خرید و فروش های مکرر و چند جانبه سودهای باد آورده و افسانه ای به جیب می زنند. بخش حسابداری نیز در این چرخه ی کثیف در سند سازی و لاپوشانی همکاری تام و تمام دارند. این روند شرم آور در پروسه ی خصوصی سازی، حرفه ای تر و بی پروا تر اجرا می شود. در واقع خصوصی سازی و کارپردازان آن بعدها انسان و فنی کارخانه را کم رنگتر و حتی تخریب نموده و در مقابل زمینه های تملق و چاپلوسی، آدمفروشی و ذبونی عیان تر و آشکارتر شده و قباحت آن ریخته است. بخشی از برادران دیروز در همنوایی و تطبیق با روند خصوصی سازی ریش و محاسن و تسبیح را کنار گذاشته و آنچه را مطبوع طبع بانکی ها و بازاریان بود به نمایش گذاشتند. در این راستا در مماشات با غارتگران خصوصی سازی دلقکانی بودند که بوسه بر پای مدیر عامل زده و در نقش گزمه و خبر جین، کاسه داغ تر از آش شده و پای از گلیم بیرون کرده و به پر و پای دیگر یاران مدیر عامل پیچیده و در نهایت متنبه شدند و جهت ابقای در پست خویش زانو زده و به نیک نامی به صدرات ادامه دادند.

اینک بیش از شش ماه از اور هال می گذرد پاسخ کار و تلاش شبانه روزی ما، در تابستان داغ و سوز سرمای زمستان چه شد، کارانه ی یک ماه پرید و هزینه ی سور و سات و سفر تفریحی به اصطلاح مدیران و نورچشمی ها به خارج از کشور شد پاداش های زیر میزی در نهایت بی شرمی در مقابل چشمان حیرت زده ی کارگران تقسیم شد، دامنه ی این گستاخی ها به کارانه های نجومی و غارت و تاراج منازل سازمانی شهر اراک با سود بیش از دویست الی سیصد میلیون تومانی کشیده شد، چکمه لیسان و نوکران پدر خانواده (جناب آقای مدیر عامل و مشاوران بازاری و

دلال مسلک)، بوزینه وارمعلق زنان تملق گفتند و استخوانی از این خوان یغما بردند و ما کارگران گونه با سیلی سرخ کردیم تا بیش از این شرمنده ی شش ماه اسیر کردن زن و بچه در خانه به هوای مزد تلاش شبانه روزی نباشیم. سرمایه های که این جمع خائن اندوخته اند قطره های خون و تکه های گوشت و استخوان ذوب شده ی ما کارگران وزحمتکشان است ما که درارتفاع کارکردیم ازبلندی ها افتادیم، مابا که با اسید و آتش دست و پنجه نرم کردیم وبا سروصورت سوخته هیزم و هیمه تنور چپاول بازاریان و خیانت ملیجکان شدیم ،سهم ما ولیاقت ما این بود؟ کارگران، زحمتکشان ما متناسب با آگاهی و شعور خود از ماحصل دسترنجمان بهره می بریم تضاد ماهوی سرمایه با کارهرروز کارگری را ازکار بیکاروکارخانه ای رابه ورشکستگی می کشاند فعالین کارگری دراعتراض به این روند غیر انسانی دستگیر و زندانی می شوند دانشجویان مبارزوآزادیخواه درطلب برابری خواهی و عدالت به مسلخ سرمایه می روند محمود صالحی ها تا پای مرگ در کوره ی استبداد فریاد زنده باد لغو کار مزدی را سر می دهند. ما یک بار درپتروشیمی اراک قدرت اتحاد را تجربه کردیم و بی شک درتقابل با سرمایه و دفاع از کار بار دیگر به میدان مبارزه خواهیم آمد. باید این اعتراضات را سراسری و گسترده تر کرد. کارگران آگاه دشمنان سرمایه هستند و رنج بی پایان و تباهی روح و جسم و جان خود را از سیطره و حاکمیت سرمایه و بازار می دانند. برای دنیای بهتر کارگران دست کار و تلاش را باید به دست اتحاد و مبارزه تبدیل کنیم.

جمعی از فعالین کارگری پتروشیمی اراک

۱۳۸۶/۱۱/۱۱